



تنده باد تو در تار و پود مهن

آزیتا افیمی

محمدرضا شجریان رفت. خبر کوتاه بود، اما چون کوه بر سر آوار شد. ایران به سوگ نشست؛ سوگ از دست دادن نازنین هنرمندش که با صدا و آواز دلنشین و پرتوان خود، روایتگر عشق و امید و شادی بود در لحظه‌های ناامیدی و تنهایی و هجران؛ روایتگر قصه‌های تلخ و شیرین مردمان سرزمینش؛ سرزمینی که دلبسته‌اش بود و بدان عشق می‌ورزید: «نهاد هنر من از آبشخور سرزمین ایران، این دیار کهن و مهد تمدن و فرهنگ و زندگی گرفته است. زندگی من از کودکی در میان همین مردم هنردوست و نازک اندیش، رنگ و معنا پذیرفته است. البته که نهایت خواسته و عشق من کار در داخل مملکت برای مردمانی است که با من می‌گیرند و با فغان من همنوایی می‌کنند. جهان برای من ایران است و ایران برای من جهان است.»

او بر بال‌های شعر و آواز، معما و معنای هستی راه، انسان و انسانیت راه، عشق و محبت راه، آزادی و رهایی را برای ما تفسیر کرد. همنوایی و

همراهی را فریاد کرد. او ما را به ضیافت زیبایی واژه‌ها برد و رقص هزار معنا را عیان کرد.

او که بی پروا سر در سودای دل داشت، از هر آنچه که محصورش می‌کرد، اندیشه‌اش را به بند می‌کشید، گریزان بود و بی اعتنا به قال و مقال پیرامونیان، راه خود را در پیش داشت.

رفت عمرم در سر سودای دل

و ز غم دل نیستم پروای دل

دل به قصد جان من برخاسته

من نشسته تا چه باشد رای دل

او که در درازنای زندگی پر ثمر خود آموخت که:

«هر پدیده از جهان مردمی را چگونه بشناسم،

چگونه به گوهر مردم سرزمینم پی ببرم و چگونه

آنها را به کار گیرم» توانست به دل مردمان

سرزمینش راه یابد و آوازش را جاودانه کند.

او با صدای جادویی خود، مردمانش را به تاریخ

شعر و موسیقی سرزمینش، ایران، پیوند داد.

اکنون، او رفته است، اما آوایش که می‌خواند:

ای مرغ سحر ناله سر کن / داغ مرا تازه‌تر کن

ز آه شرر بار این قفس را / برشکن و زیر و زیر کن

یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست
خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد

*

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از ماتم سرو قدشان، سرو خمیده

در سایه گل بلبل از این غصه خزیده

گل نیز چو من در غم‌شان جامه دریده

*

همراه شو عزیز!! همراه شو عزیز!!

تنها نمان به درد، کاین درد مشترک

هرگز جدا جدا، درمان نمی‌شود!!

همچنان در سرای ما طنین انداز خواهد بود و
عشق به صدا و نوایش در سر و جان ما به حیات
خود ادامه خواهد داد.

در آخرین دقایقی که مجله به زیر چاپ می‌رفت، خبردار شدیم که استاد شجریان دار فانی را وداع گفته و به سرای حق پیوسته است. روحش شاد و در آرامش باد. شماره ۴۱۴؛ اکتبر ۲۰۱۹ عاشقانه، به مناسبت تولد استاد، به ایشان تقدیم شده بود که مقاله مربوط به آن را می‌توانید در سایت asheghaneh.com ببینید.